

کاربست ادھوکراسی های حرفه ای در حکمرانی جنگ؛

پایداری ملی از طریق طراحی گروه های ضربت تدبیرگر، پشتیبان و عملیاتی، با ساختاری هولوگرافیک و پویا

علی اصغر پورعزت

استاد دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی، دانشکدگان مدیریت دانشگاه تهران

ایران گنجی بسیار گران بهاست؛ گنجی شناخته شده که در گذشته نمی شد و اکنون نیز نمی توان آن را از دید "فوج فوج راهزنان دیرپا و نوپدید و به دوران رسیده در گستره زمانه و تاریخ"، پنهان کرد! به قول استاد فقید دکتر حسن میرزایی اهرنجانی، در گذر چند هزاره ای تاریخ ما، از ابتدای تاسیس ایران تا تحقق انقلاب اسلامی در آن (در ۱۳۵۸)، جمع سال های بدون جنگ صریح و جنگ سرد در این منطقه از جهان، به سی سال نمی رسد! روایت پر چالش جنگ تحمیلی و جنگ سرد با جهان خواران، از ابتدای تاسیس "جمهوری اسلامی ایران" نیز برای نسل حاضر، روایتی زنده و بالنده است. با این مقدمه، می توان چند اصل مهم را در نظر آورد:

- اصل اول؛ هجمه دیگران برای سیطره بر ایران، به منزله یک گنج شناخته شده، اجتناب ناپذیر است؛ پس همواره احتمال جنگ در این منطقه وجود دارد؛ بنابراین، اصل "ضرورت بازدارندگی"، اصلی ناگزیر برای تضمین صلح پایدار است.
- اصل دوم؛ در جنگ های در حال پدیداری در روند تحقق آینده، ماهیت "وحدت فرماندهی" تغییر یافته، بیشتر به "وحدت هدف مهار و سرکوبی دشمنان" توسط واحدهای ضربت مستقل و در عین حال هماهنگ، متمایل می گردد.
- اصل سوم؛ در جنگ های نوپدید، ناگزیر باید همه ظرفیت ها و توانمندی های ملی و اجتماعی را ترکیب کرد و پدیده "جنگ ترکیبی هوشمند" را پدیدار ساخت.
- اصل چهارم؛ در جنگ های ترکیبی، نبرد به میان آحاد جامعه راه می یابد و رجزخوانی، به سوی آحاد جامعه معطوف می گردد و هر طرف جنگ، به شدت روی خیانت نیروهای دشمن بر علیه آن، حساب می کند؛ پس باید آحاد جامعه، از جنبه های گوناگون توانمند گردند و راه نفوذ دشمن مسدود شود و سیستم اجتماعی، در سیری بالنده و یادگیرنده، خلل ناپذیر گردد.

- اصل پنجم؛ در جنگ‌های ترکیبی-شناختی، "تخریب شناختی دشمنان و ترفندهای پی در پی آنان"، یک راهبرد محوری برای کشور است. بنابراین باید سواد شناختی "در میان ملت" توسعه یابد و ترفندهای سلطه مبتنی بر روانشناسی اجتماعی و روانشناسی سیاسی، مستمراً "برای ملت" بر ملا شوند.
- اصل ششم؛ در راهبردهای اطلاعات عملیات جنگ‌های هوشمند، هرگونه اقدام به هماهنگی با استفاده از فناوری، رصدپذیر است؛ پس شایسته است تا هماهنگی‌های آنی، با ساختاری هولوگرافیک و ژنتیکی (مبتنی بر اشاره‌های شناختی پایدار)، صورت‌بندی و برنامه‌ریزی و پویاسازی شوند!
- اصل هفتم؛ در جنگ‌های ترکیبی هوشمند، اقتصاد جنگ بسیار مهم جلوه می‌کند؛ به طوری که طرف پیروز، کشوری است که روال پیشین کسب درآمدهای اقتصادی کشور مقابل و حامیانش را مختل سازد؛ و زندگی را بر همه آحاد حامی آن، دشوار نماید؛ بنابراین، جنگ‌های ترکیبی هوشمند، بیش از پیش، "همه جانبه" تلقی می‌شوند و تاب‌آوری اجتماعی بالا در آنها، نقشی بسیار حساس دارد.
- اصل هشتم؛ هر کشوری که پیش‌بینی‌پذیرتر باشد، قدرت مانور کمتری خواهد داشت و آسیب‌پذیرتر خواهد شد؛ بنابراین، یکی از راهبردهای مهم در جنگ‌های هوشمند، رصدپذیر ساختن دشمن و رصدناپذیر ساختن خود است؛ از این رو باید به طور جدی برای "توسعه ظرفیت‌های آینده‌پژوهی و سناریوپردازی خود" و "کژنماسازی و زمین‌گیر کردن رصدگرهای پیش‌بین و پیش‌نگر دشمنان"، همت گماشت؛ بدیهی است که در چنین شرایطی، کاربست سازه‌های قانون‌مدار و پیش‌بینی‌پذیر بوروکراتیک، نقطه ضعفی در دسرساز و توان‌فرسا محسوب می‌شود.

بنا بر آنچه گفته شد، باید ظرفیت‌های شناختی آحاد درگیر در جنگ، برای انعطاف‌پذیری، پویایی، تنوع و در عین حال، حفظ ثبات ساختاری، افزایش یابد. این ترکیب "قانون ثبات ضروری" و "قانون انعطاف ضروری"، ترکیبی کارساز است که می‌توان آن را در شاکله "ادهوکراسی حرفه‌ای"، با ساختاری هولوگرافیک رصد کرد و پدیدار ساخت؛ ساختاری که خود مبتنی بر رعایت "قانون تنوع ضروری" و "قانون پیچیدگی ضروری" توسعه می‌یابد و پدیدار می‌شود.

این پدیداری، مستلزم تمهید شرایط مناسب است؛ شرایطی که امکان کاربست ادهوکراسی‌های حرفه‌ای را برای توسعه گروه‌های ضربت تدبیرگر، گروه‌های ضربت عملیاتی و گروه‌های ضربت پشتیبان، برای مواجهه مستقل و ابتکاری و در عین حال، منسجم و خلل‌ناپذیر با هر وضعیت احتمالی در نبرد، فراهم می‌آورد.

کاربست ادهوکراسی حرفه‌ای با ساختار هولوگرافیک، در هنگامه جنگ‌های در حال پدیداری، فقط یک ایده از میان هزاران ایده‌ای است که باید به طور مستمر در قالب شگفتانه‌های مستاصل‌ساز دشمن، در عرصه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اداری بارز گردند و به "اذن یکتاخدای قادر متعال"، پیروزی پایدار را به جامعه شریف ایران عزیز، هدیه کنند.

این مهم، بدون هم‌آهنگی و هم‌کاری و هم‌یاری و هم‌نوردی آحاد جامعه، امکان‌پذیر نیست. بنابراین، باید دانش پایداری و مقاومت و اسرار پیش‌بینی‌ناپذیری را به آحاد جامعه آموزش داد و سواد مقاومت و سواد زمین‌گیر کردن

چشم‌های رصدگر دشمن را در متن جامعه تقویت کرد و ظرفیت تاب‌آوری اجتماعی را با راهبردی جامع، با سویه‌های اقتصادی و فناورانه و شناختی، به طور مستمر و در پرتو سلسله‌ای از ترفندهای مکمل و عصرمدار، بهبود بخشید؛ ترفندهای هوشمند و پیش‌بینی‌ناپذیری که حتی در هنگامه کاربست، ظرفیت بازپردازی داشته باشند و انواع گروه‌های ضربت تدبیرگر، مجری و پشتیبان، بتوانند در هر موقعیت "اینجا و اکنون" آنها را بازپردازی کنند. برای موفقیت و هم‌آهنگی پویا و "خودسازگار شونده" و "خود ساز و کار آفرین"، در میدان عمل، دو ظرفیت مهم ضروری‌اند:

(یک) دسترسی به سناریوهای طراحی شده متعدد و متنوع و بسته‌های یادگیرنده، برای هر وضعیت ممکن "آنجاها و آنگاه‌ها"، برای انتخاب مقتضی و کاربست در هر وضعیت ویژه "اینجا و اکنون".
(دو) طراحی ظرفیت‌های هولوگرافیک و تسری‌یاب هوشمند، برای طراحی سناریوهای زنده، در جهت توسعه و طراحی و کاربست مستمر ترفندهای جدید و بالنده و شگفتانه‌های فناورانه، در همراهی با شگفتانه‌های اقتصادی، سیاسی، اداری، فرهنگی و شناختی، فراخور هر وضعیت ویژه نبرد در گستره پرپهنا و پر تنوع ایران عزیز.

سخن آخر اینکه جنگ‌های در حال پدیداری، جنگ‌های دانش‌مبنا و حکمت‌مبنا بوده، از جنگ‌های مبتنی بر قدرت انسانی، جنگ‌های مبتنی بر علم تجربی و جنگ‌های مبتنی بر فناوری گذر کرده و از آنها فاصله می‌گیرند. گویا در جنگ‌های نوپدید، شیاطین با همه استعدادها و ظرفیت‌هایشان، به نبرد اخلاق و کرامت‌های انسانی می‌آیند؛ بنا بر این لازم است و باید کلیه ظرفیت‌های علمی، از "علوم نظامی و تدابیر دفاعی" گرفته تا "علوم اقتصادی و تدابیر مالی"، "علوم سیاسی و تدابیر اتحادآفرینی در میان ملت"، "علوم اجتماعی و تدابیر عزت‌بخش به آحاد اجتماع"، "علوم اداری و تدابیر پویاسازی نظام حکمرانی"، "علوم سیستمی و تدابیر پویاسازی سیستم‌های گوناگون"، "علوم روانشناختی و تدابیر شناختی جنگ و دفاع تاب‌آور"، "علم رسانه و شیوه‌های مهار هجمه‌های رسانه‌ای با کمک مردم" و مجموعه گسترده‌ای از علوم و تدابیر، در سایر حوزه‌های پزشکی، روانشناسی، شیمی، مهندسی و نظایر آن، در بسته‌های حکمرانی هوشمند جنگ، سود جست!

در واقع در جنگ‌های جدید، همه ظرفیت‌های اجتماعی در معرض تهاجم‌اند و همه ظرفیت‌ها و آحاد جامعه باید برانگیخته شده، متناسب‌سازی و تقویت شده و به کار گرفته شوند.

والسلام